



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

۳
مدرسه علمیه نرجس

شهرستان مشهد

مقاله تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

پیام های زندگانی حضرت ایوب علیه السلام، برای نسل امروز

استاد راهنما

سرکار خانم ماده رضایی

استاد داور

پژوهشگر

اعظم سعیدی

زمستان ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَاءَ
فَإِذَا حَمَدْتَهُ أَذْنَبْتُهُ
وَكَثُرْتُ عَلَيْهِ حَمْدًا
وَلَمْ يَكُنْ لَكَ دُونَهُ
شَرِيكٌ فِي عِزِّهِ
وَلَمْ يَكُنْ لَكَ دُونَهُ
مُؤْتَمِرٌ لَمْ يُكُنْ لَكَ
دُونَهُ مُبْتَلَىٰ لِمَ
كَانَ اللَّهُ مَعَهُ
وَلَمْ يَكُنْ لَكَ دُونَهُ
مُؤْتَمِرٌ لَمْ يُكُنْ لَكَ
دُونَهُ مُبْتَلَىٰ لِمَ
كَانَ اللَّهُ مَعَهُ

فهرست مطالب

| | |
|--|---|
| چکیده | ۱ |
| نبوت ایوب (علیه السلام) | ۱ |
| شریعت ایوب (علیه السلام) | ۳ |
| - پاسخگویان به دعوت ایوب (علیه السلام) | ۳ |
| نسب ایوب (علیه السلام) | ۳ |
| ۱- پدر | ۳ |
| ۲- مادر | ۳ |
| سال و محل تولد ایوب (علیه السلام) | ۳ |
| - علت نامگذاری | ۳ |
| معاصران ایوب (علیه السلام) | ۴ |
| - وطن ایوب (علیه السلام) | ۴ |
| - شمایل ایوب (علیه السلام) | ۴ |
| صفات ممتاز ایوب (علیه السلام) | ۴ |
| ۱- عبودیت | ۴ |
| ۲- اواب بودن | ۵ |
| ۳- صبر | ۵ |
| گفتاری پیرامون صبر | ۵ |
| مفهوم صبر | ۵ |
| صبر در برابر مصیبت | ۶ |
| همسر ایوب (علیه السلام) | ۶ |
| - فرزندان ایوب (علیه السلام) | ۶ |
| - دارایی و اموال حضرت ایوب (علیه السلام) | ۶ |

- ۷ مراحل نابودی نعمت های ایوب (علیه السلام)
- ۷ ۱- نابودی اموال
- ۷ ۲- فقدان فرزندان
- ۷ ۳- بیماری جسمی و تنهایی
- ۸ مدت ابتلای حضرت ایوب (علیه السلام)
- ۹ مسئولیت جامعه در برابر آسیب دیدگان
- ۹ الف: نقش خویشاوندان و خانواده در زمان بروز حوادث
- ۹ ب: نقش افراد جامعه
- ۱۰ مشاوره نوتوانی با مصیبت دیدگان
- ۱۰ حساس ترین آسیب دیدگان
- ۱۰ ۱- معلولان
- ۱۰ مشکلات معلولان
- ۱۱ ۲- سالمندان
- ۱۱ مسائل و مشکلات سالمندان
- ۱۲ نجات از فریب شیطان
- ۱۳ رحمه الگوی همسر وفادار
- ۱۳ گشایش
- ۱۳ شفای ایوب (علیه السلام)
- ۱۵ گفتاری درباره آب درمانی
- ۱۵ آب های معدنی ایران
- ۱۵ وفای ایوب به سوگند
- ۱۶ وفای به سوگند
- ۱۶ گفتاری پیرامون سوگند
- ۱۷ بازگشت نعمت ها و سرانجام ایوب (علیه السلام)

- ۱- جوانی همسر ۱۷
- ۲- بازگشت دارایی ۱۷
- ۳- احیای فرزندان ۱۷
- سرانجام ایوب (علیه السلام) ۱۷
- پی نوشت ها ۱۸
- فهرست منابع و مآخذ ۲۲

چکیده

موضوع این مقاله «پیام های زندگانی حضرت ایوب (علیه السلام) برای نسل امروز» می باشد. هدف از این مقاله معرفی حضرت ایوب (علیه السلام) به عنوان الگوی صبر و توصیف نکات عبرت آموز زندگی این پیامبر بزرگ و همچنین طرح مسائل کاربردی و برداشت های صحیح از قصه است. در این نوشته به نبوت ایوب (علیه السلام) و همچنین نسب وی و صفات ممتاز او و مراحل ابتلای آن حضرت پرداخته شده و در ادامه به بحث پیرامون مسئولیت در برابر آسیب دیدگان و نقش افراد و معرفی حساسترین آسیب دیدگان و آشنایی با مشکلات و مسائل آنان پرداختیم و در پایان نیز مرحله گشایش و بازگشت نعمت ها و سرانجام ایوب (علیه السلام) بررسی شده است. منابع استفاده شده در این مقاله عبارت است از: کتب تفسیری، روایی از جمله: المیزان و بحار الانوار، کتب تاریخی مانند تاریخنامه طبرسی و تاریخ گزیده و قصص الانبیاء و برخی از کتب علمی متناسب با بحث مانند: مشاوره نوتوانی و پزشکی سنتی مردم ایران. ضمناً جمع آوری مطالب این مقاله به صورت کتابخانه ای انجام گرفته است. با توجه به مطالب این مقاله نتیجه ای که حاضر می شود این است که انسانهای امروز با تاسی به حضرت ایوب (علیه السلام) و الگوگیری از داستان زندگی این حضرت و پیامبر بزرگ در لحظه های سخت و شرایط حساس زندگی با توکل بر خداوند و توجه داشتن به مشیت و حکمت الهی با صبر کردن راه را بر خود آسانتر کنند همچنین داستان حضرت ایوب (علیه السلام) به همه افراد و جوامع درس لازم همیاری و مشارکت و همدردی و استعانت با افراد آسیب دیده می دهد. کلید واژگان: قصه قرآنی، ایوب پیامبر (علیه السلام)، ابتلا، پیام تربیتی، صبر.

نبوت ایوب (علیه السلام)

نام یا سرگذشت حضرت ایوب (علیه السلام) در چندین سوره قرآن آمده است: در سوره «نساء» آیه ۱۶۳، و «سوره انعام» آیه ۸۴ تنها به ذکر نام او در ردیف پیامبران دیگر اکتفا شده که مقام

نبوت او را تثبیت و تبیین می کند، و در سوره انبیاء آیات ۸۴ و ۸۳ تو ضیح کوتاهی درباره زندگی وی آمده و آیات ۴۱-۴۴ سوره مبارکه «ص» مشروحتر از هر جای دیگر قرآن شرح حال این پیامبر الهی را بیان کرده است.

حضرت ایوب (علیه السلام) از پیامبران مشهود الهی بود^۱ که درباره نزول وحی بر او در قرآن کریم آمده است:

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ عِيسَى وَ أَيُّوبَ وَ يُونسَ وَ هَارُونَ وَ سُلَيْمَانَ وَ آتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا.^۲

ما به تو وحی کردیم چنانکه به نوح و پیغمبران بعد از او نیز وحی کردیم به ابراهیم اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (فرزندان یعقوب که دوازده سبط بودند) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و به داود هم زبور را عطا کردیم.

درباره ی ترتیب زمانی او نسبت به سایر پیامبران قولهای مختلفی است.

هشام بن محمد بن السائب الکلبی از پدرش می گوید اولین پیامبر برانگیخته شد ادریس سپس نوح سپس ابراهیم سپس اسماعیل و اسحاق، یعقوب، یوسف، لوط، هود، صالح، شعیب، موسی و هارون، الیاس، الیسع بن عزی بن شوتلح بن أفرائیم بن یوسف بن یعقوب بن اسحاق، یونس بن متی بن بنی یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم سپس ایوب بن زارح بن أموصی بن لیفرن بن العیص بن اسحاق بن ابراهیم (علیهم السلام).^۳

شریعت ایوب (علیه السلام)

وی به شریعت حضرت ابراهیم (علیه السلام) مردم را دعوت می نمود.^۴

– پاسخگویان به دعوت ایوب (علیه السلام)

سه نفر به حضرت ایوب (علیه السلام) ایمان آوردند: مردی از اهل یمن، او را «یفن» گفتند؛ دو مرد از ولایت او: یکی را «بلدد» نام دیگری «صافر» بود. همچنین در تورات «صوفر» آمده است.^۵ این سه تن سی و سال و اندی داشتند.^۶

نسب ایوب (علیه السلام)

۱- پدر

عموم دانشمندان بر این نظر توافق دارند که ایوب از سلاله «عیص/عیسو» بن اسحاق بن ابراهیم (علیه السلام) است. و وی از نوادگان ابراهیم خلیل (علیه السلام) است.^۷

۲- مادر

مادر حضرت ایوب (علیه السلام) دختر لوط (علیه السلام) بوده است.^۸ همچنین گفته اند مادر ایوب (علیه السلام) از فرزندان یهودا بود، از اهالی یمن.^۹

سال و محل تولد ایوب (علیه السلام)

ایوب (علیه السلام) در سال ۳۶۴۲ پس از تولد آدم (علیه السلام) در زمان یوسف (علیه السلام) در سرزمین جابیه که قریه (ده) ایست میان رمله و دمشق متولد شد.^{۱۰}

- علت نامگذاری

بدین جهت او را ایوب گفتند که : «در همه حالات با خدای خویش در راز و نیاز

بود.^{۱۱} همچنین گفته شده یکی از معانی ایوب «أوب» است.^{۱۲}

معاصران ایوب (علیه السلام)

حضرت را معاصر یکی از افراد ذیل گفته اند:

معاصر موسی (علیه السلام)، قضاة، الیاس رومی یا ارد شیر ایرانی، یعقوب (علیه السلام)، سلیمان (علیه السلام)، بخت النصر و یوسف (علیه السلام) بود. و یا صد سال قبل از حضرت ابراهیم (علیه السلام) می زیسته است.^{۱۳}

– وطن ایوب (علیه السلام)

در مورد موطن اصلی آن حضرت اختلاف وجود دارد.

بعضی آن را سرزمین عوص واقع در یمن دانسته اند و یا برخی گویند بثنه یا بثنیه نام ناحیه ای از نواحی دمشق است و حضرت ایوب (علیه السلام) اهل آنجا بوده است.^{۱۴}

– شمایل ایوب (علیه السلام)

حضرت ایوب مردی بلند بالا با گردنی کوتاه، سری بزرگ و موی پیچیده، چشم سیاه، چهره سبزه داشت.^{۱۵} وی خوش سیما و خوش اندام بود.^{۱۶} و بر پیشانی اش عنوان آزموده بردبار نگاشته شده بود.^{۱۷}

صفات ممتاز ایوب (علیه السلام)

۱- عبودیت

خداوند در تجلیل و بزرگداشت ایوب او را به بندگی خود مفتخر می سازد. و در آیه ۴۱ سوره «ص» می فرماید: «وَإِذْ كَرَّمْنَا إِيُوبَ»؛ «هان ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، و بنده ما

ایوب را به یاد آور. «عابدترین مردم زمان خود بود.»^{۱۸}

۲- اواب بودن

یکی دیگر از صفات برجسته ایوب (علیه السلام) اواب بودن آن حضرت است چنانکه در قرآن کریم

آمده است: «... إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (سوره ص، آیه ۴۴)

هنگامی که به منابع لغت مراجعه می کنیم می بینیم «اواب» از ماده «اوب» بر وزن قول به معنی

رجوع و بازگشت است.^{۱۹}

پیامبران سالکانی هستند که دایم در رجوعند و در همه حالات به سوی خدا حرکت می کنند

و لحظه به لحظه زنگ قافله الی الله را می شنوند.

۳- صبر

مشهورترین صفت حضرت صبر ایشان است. خداوند در آیه ۴۱ سوره «ص» می فرماید: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ

صَابِرًا» ؛ «همانا ما او را صابر یافتیم» و به سالار پیام آورانش یادآور می گردد که در شکیبایی و

پایداری در برابر رنجها و گرفتاریها و مصیبت ها - که روی دیگر سکه زندگی این جهان هستند - به

او اقتدا کند.^{۲۰}

گفتاری پیرامون صبر

مفهوم صبر

صبر عبارت از اطمینان نفس و سکون آن است تا در برابر حوادث و بلا مقاومت نماید و عنان عقل

و اختیار را از دست ندهد و از مشقت عبادت نگریزد و در مقابل شهوت بر معصیت خودداری

نماید.^{۲۱}

صبر در برابر مصیبت

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: «ر سول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ... کسی که بر مصیبت صبر نماید تا آن را به نیکویی تحمل کند، خداوند برای او سیصد درجه بنویسد که فاصله هر درجه مانند فاصله زمین تا آسمان است».^{۲۲}

زندگی آدمی همواره در معرض حوادث و بلیه های ناگوار است؛ و از این گریزی نیست. انسان صبور در مواجهه با مصایبی از این قبیل، متانت روحی و شخصیت انسانی خود را از دست نمی دهد و دست و پای خود را در برابر حادثه گم نمی کند.

از جمله راهکارها و عوامل مؤثر بر کسب صبر: ۱- توجه به پاداش اخروی صابران، ۲- بیهودگی جزع و پیامد منفی آن، ۳- الگو گرفتن از مقاومت اولیاء خدا، ۴- توجه به حکمت و مصلحت خداوند و اینکه هر بلا پله ای برای کمال انسان است ۵- توجه به اینکه مدت مصیبت اندک است و بعد از هر غمی شادی در انتظار است.^{۲۳}

همسر ایوب (علیه السلام)

همسر وی «رحمه» دختر «أفرائیم بن یوسف» می باشد. درباره شمایل ظاهری همسر حضرت ایوب گفته شده وی در حسن و جمال همانندترین کس به یوسف بود.^{۲۴}

– فرزندان ایوب (علیه السلام)

گفته شده ایوب (علیه السلام) دارای ده فرزند بود که هفت پسر و سه دختر بودند و همه از ده سال بیشتر داشتند، و نزد معلم صحف ابراهیم (علیه السلام) می آموختند.^{۲۵}

– دارایی و اموال حضرت ایوب (علیه السلام)

حضرت ایوب (علیه السلام) ثروتمندترین شخص زمان خود بود. درباره مقدار و نوع دارایی اش

سخن بسیار است. از جمله دارائی های وی می توان به این موارد اشاره داشت:

«هزار اسب و هزار مادیان و دو هزار قاطر نر و ماده و سه هزار شتر و هزار و پانصد ناقه و...»^{۲۶}

شغل وی دامپروری بود و خداوند در این کار برکت بسیاری به او داد و بیش از همه یعنی ۷۰۰۰

گله داشت.^{۲۷}

برخی نیز همه شهر بئنه را از دارایی او بر شمرده اند و هر چه در آن شهر بوده را جزء اموال وی

دانسته و بسیاری از مردم آنجا را برده های وی دانسته اند.^{۲۸}

مراحل نابودی نعمت های ایوب (علیه السلام)

مصیبتی را که ایوب (علیه السلام) متحمل شد، در مال، فرزندان و سلامتی خود بود. که این نعمت ها

را طی مراحل از دست داد:

۱- نابودی اموال

نخستین محنت ایوب (علیه السلام) نابودی دارائی وی بود که در مراحل مختلف همه آنها از وی

گرفته شد.

۲- فقدان فرزندان

غم از دست رفتن فرزندان پس از نابودی کامل اموال بر حضرت ایوب (علیه السلام) وارد شد. هفت

روز هفتم چهار پسر و سه دخترش را از دست داد.^{۲۹}

۳- بیماری جسمی و تنهایی

سومین و آخرین بلای حضرت (علیه السلام) گرفته شدن نعمت سلامت از وی بود. از پا تا سر همه

بدنش زخمی و مجروح شد و همه جز رحمة همسر وفادارش او را طرد کردند. و وی به مدت

۷ سال گرفتار بیماری بود.^{۳۰}

البته متأسفانه در مورد بیماری آن حضرت شبیهه ای نیز ایجاد شده است و آن اینکه به هنگام بیماری بدنش کرم برداشت، و آن قدر متعفن و بدبو شد که اهل قریه او را از آبادی بیرون کردند. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «برخلاف آنچه که گفته می شود هیچگاه از ایوب بوی بدی به مشام نرسید چرا که چنین خصوصیتی هرگز بر پیامبر خدا عارض نخواهد گشت بلکه دوری مردم از همنشینی با او تنها به خاطر تنگدستی و ناتوانی ظاهری وی بود.»^{۳۱}

مدت ابتلای حضرت ایوب (علیه السلام)

مفسران درباره مدت و شدت بلای ایوب (علیه السلام) همداستان نیستند. عده ای مدت آن را هیجده سال نقل کرده اند. و برخی نیز گفته اند وی هفت سال و هفت ماه و هفت روز و هفت ساعت گرفتار بلا بود و در روایتی از حسن بصری مدت آن «هفت سال و یک ماه» گفته شده است. که روایت ۷ سال مطابق احادیث شیعه است.

در دوران ابتلاء و آزمون حضرت ایوب (علیه السلام)، این پیامبر بزرگ الهی با مشکلات و مصیبت های گوناگونی روبرو شد و توانست همه آن بلاها را که آزمایشی بود از سوی خداوند حکیم برای اثبات شکرگزاری و صبر ایوب (علیه السلام) با سربلندی و موفقیت پشت سر بگذارد ولی مشاهده کردید که در طی دوران ابتلاء آن حضرت از جانب هیچ یک از اطرافیان و جامعه وی یاری و کمکی صورت نگرفت این در حالی است که ابتلاء ایوب و مسئولیت جامعه در امداد به او، هیچ منافاتی با هم ندارند بلکه در واقع این امتحان دو سویه است امتحانی بر صبر ایوب و مسئولیت جامعه؛ بنابراین این حادثه درس عبرتی برای آیندگان بود.

مسئولیت جامعه در برابر آسیب دیدگان

الف: نقش خویشاوندان و خانواده در زمان بروز حوادث

غالباً اشخاص آسیب دیده در جریان وقایع دهشتناکی که با آن روبرو شده اند همه چیز را نیست و نابود شده تلقی می کنند، تصورشان نسبت به آینده توأم با خوف و هراس می باشد.

با توجه به اینکه حسّ جمع گرایی در این زمان در قوی ترین حالت خود قرار دارد و گرایش به خانواده می تواند توجیه کننده بسیاری از اتفاق ها باشد اگر اعضای خانواده، حضور نداشته باشند، وحشت و برانگیختگی شدیدی ایجاد می شود.^{۳۲}

برای بازسازی زندگی عاطفی و روانی آسیب دیدگان باید تماس آنها را با سایر بازماندگان یا خویشاوندانی که در شهرهای دیگر زندگی می کنند برقرار کرد و تسهیلات لازم را در این خصوص تدارک دید.

ب: نقش افراد جامعه

نوع دوستی عامل حس مسئولیت پذیری افراد در برابر مصیبت دیدگان است. لذا باید این حس تقویت شود و باید به افراد یادآور شد که ممکن است روزی خود آسیب دیده و دچار مصیبت شوند.^{۳۳}

در روایات رسیده از معصومین (علیهم السلام) به مسلمانان توصیه شده است در زدودن اندوه از دل برادران و خواهران خود بکوشند و از شاد کردن دل خانواده های رنج دیده غافل نشوند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«کسی که با گفته ای برادر مؤمن خود را گرامی بدارد و او را از بلاها و سختی ها برهاند، با این کار زیر سایه گسترده رحمت و لطف خداوند خواهد بود.»^{۳۴}

مشاوره نوتوانی با مصیبت دیدگان

«مشاوره نوتوانی با مصیبت دیده عبارتست از: به کارگیری اصول و فنون مشاوره خاص برای کمک به افراد مصیبت دیده آنی و بدون ریشه عمیق روانی جهت تسهیل ناراحتی حاصله، تا مشکل و ناراحتی ناشی از مصیبت در یک چهار چوب زمانی معقول قرار گرفته و سازگاری فرد با محیط فقدان صورت گیرد».^{۳۵}

حساس ترین آسیب دیدگان

۱- معلولان

مطالعه تاریخ بشری نشان می دهد که از قرون گذشته تا به امروز معلولیت امری جداناپذیر از زندگی بشری بوده است. و از گذشته تا به امروز برخوردهای متفاوتی با آن وجود داشته است.^{۳۶} معلولیت حقیقتی انکارناپذیر است، و از آنجا که هم بر سرنوشت فرد و هم بر کل جامعه اثر می گذارد، به درستی پدیده ایست اجتماعی با زمینه ها و ابعادی بسیار، و توانبخشی نیز به عنوان یک پدیده، پاسخی است به نیاز فرد و جامعه، نیازی که برخاسته از یک پروسه تاریخی است و در بردارنده مفهوم بازگشت فرد به جامعه است.^{۳۷}

مشکلات معلولان

- الف: طرز تفکر جامعه: که متأسفانه عامه مردم معلولین را افرادی احساساتی فاقد تفکر منطقی نسبت به معلول به دلسوزی و ترحم بی جا در قبال او می پردازند.
- ب: زخم بستر و مراقبت: که معلول را دچار مشکلات روحی و روانی زیادی می کند.
- ج: معماری و شهرسازی: متأسفانه بر اثر کم توجهی مسئولین در امر ساخت و ساز و

معماری شهری همیشه ساختمانهایی هستیم که در معماری آن هیچ گونه امکاناتی برای این قشر در نظر گرفته نشده است.

د: مشکلات حرفه ای و کار: یکی از مشکلات عمده این گروه مسئله شغل و کار است.^{۳۸}

برخی از موانع موجود در زمینه اشتغال معلولین بدین قرار است:

الف: نگرش و طرز تلقی جامعه نسبت به تواناییهای معلولین

ب: کمبود آگاهی یا شناخت غلط کارفرمایان و مدیران از کارایی معلولین

ج: دشواریهای ناشی از نامناسب بودن تجهیزات در محیط کار^{۳۹}

۲- سالمندان

در عصر حاضر با توجه به بهبود شرایط زندگی و گسترش مراقبتهای بهداشتی و درمانی افزایش چشمگیری در جمعیت و طول عمر قشر سالمند در جهان و ایران به وجود آمده است. از این رو مسأله سالمندی به عنوان یک واقعیت مطرح می باشد.

دوران سالمندی با ویژگیهایی چون نارسایی حرکتی و ضعفهای این دوران، بیماریهای مفصلی، افسردگی دوران پیری، ضعفهای فکری که نیازمند برخورد و توجه خاص هستند.^{۴۰} سالمندان علاوه بر احترام نیاز به حس مشارکت نیز دارند. و باید به نقش محوری آنان که کارکرد اجتماعی و روانشناختی دارد توجه نمود. همچنین از دیگر کارکردهای سالمندان در جوامع، «انتقال فرهنگ» به نسلهای آینده است. بنابراین نسبت به آنان باید حق شناس بود زیرا سالمندان ذخیره های ملتند.

مسائل و مشکلات سالمندان

اساساً کهولت به علت فرسایش طبیعی اندام ها باعث بروز پیدایش ضعف در قوای جسمانی و دماغی می گردد که بعضاً موجب از کارافتادگی و خانه نشینی فرد سالمند می گردد.

بدین لحاظ ایجاد جوی مهرآمیز همراه با وابستگی های عاطفی در برخورد با سالمند

ضروری است و اگر خانواده ای از این فضا برخوردار نباشد لازم است سالمند در محلی مناسب به ادامه حیات بپردازد.^{۴۱}

سرای سالمندان به عنوان آخرین راه حل در مواقعی که سالخورده بی سرپرست می باشد و یا هیچ خانواده ای مایل به نگه داری از وی نباشد، چاره ساز است.^{۴۲}

از محاسن سرای سالمندان رسیدگی به وضعیت بهداشت، تغذیه و مراقبت از آنهاست و از معایب آن در رأس گروه نبودن سالمند است. در کشور ما به لحاظ فرهنگی هیچ مکانی برای سالمند بهتر از خانه نیست.

حال که مسئولیت جامعه را در برابر آسیب دیدگان دانستیم، بنگریم که تنها فرد وفادار به ایوب یعنی همسر او در این راه با چه حوادثی روبرو شد.

نجات از فریب شیطان

زمانی که شیطان از هر حيله و فریبی برای گمراهی ایوب استفاده کرد ولی کارگر نیافتاد یاران خود را فرا خواند و از آنان مشورت خواست. یکی از شیاطین به او پیشنهاد کرد برای چیره شدن بر ایوب (علیه السلام) از طریق همسرش اقدام نماید. شیطان با شنیدن این سخن به سوی همسر ایوب رفت و سعی در اغوای او کرد که البته ماجرای آن به صورت های متفاوت نقل شده است.

از ابن عباس مفسر معروف نقل شده است: شیطان (یا شیطان صفتی) به صورت پزشکی بر همسر ایوب (علیه السلام) ظاهر شد گفت من شوهر تو را معالجه می کنم تنها به این شرط که وقتی بهبودی یافت به من بگوید تنها عامل بهبودی اش من بوده ام، و هیچ فرد دیگری مؤثر نبوده است! همسرش این پیشنهاد را به ایوب گفت، ایوب که متوجه دام شیطان بود بسیار ناراحت شد و سوگند یاد کرد که همسرش را تنبیه کند.»

و این گونه بود که با درایت و ایمان حضرت ایوب (علیه السلام) این نقشه شیطان نیز عملی نشد و خداوند توسط حجت خود نیز نظر رحمت خود را از رحمه برنداشت. بی شک رحمت خدا حکیمانه است و پاداشی در برابر نیت پاک این زن وفادار بود. بدین مناسبت بحثی به همین

مناسبت خواهیم داشت.

رحمه الگوی همسر وفادار

همسر حضرت ایوب (علیه السلام) تنها فردی بود که در تمام دوران ابتلای وی دو شادوش همسرش بود و در هیچ مرحله ای از این شرایط سخت وی را تنها نگذاشت. دختران جوان و زنان امروز باید به این نکته مهم اخلاقی توجه داشته باشند که از نشانه های علاقمندی زوجین نسبت به هم و ایجاد اعتماد، این است که خود را در غمها و شادیهای یکدیگر شریک دانسته و زمینه را برای آرامش یکدیگر فراهم سازند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به حواء فرمود: «هر زنی در سختی و رفاه با شوهرش بسازد، و از وی اطاعت کند خداوند او را با همسر ایوب (علیه السلام) محشور کند».

زن و شوهر برای اداره زندگی و ادامه حیات خود و فرزندان به غیر از رعایت حقوق، که بر اساس قوانین و مقررات جامعه است نیاز به اخلاق، گذشت و فداکاری دارند.

زمانی که حضرت علی (علیه السلام) پس از ماجرای بیعت اجباری به سوی خانه بازگشت، حضرت زهرا (سلام الله علیها) به شوهر معصوم خود نگریسته، فرمود: «علی جان روح من فدای روح تو و جان من سپر جان تو. یا اباالحسن! اگر تو در خیر و نیکی به سر میبری با تو خواهیم زیست و اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهیم بود.»

در هر زندگی اجتماعی به خصوص خانوادگی، در صورت مقاومت روزی مشکلات، حل خواهند شد و اوضاع سامان خواهد گرفت. صبر ایوب نیز ثمره خود را به بار آورد.

گشایش

شفای ایوب (علیه السلام)

خداوند در قرآن می فرماید: «وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ...» بنده ما ایوب را به یاد آور هنگامی که پروردگارش را خواند و ایوب (علیه السلام) عرض کرد: «...أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ

عذاب» (ص/۴۱). این آیه اشاره اجمالی است به گرفتاری های شدید و طاقت فرسا و درد و رنج فراوان ایوب. شرح این ماجرا در قرآن نیامده، ولی در کتب معروف حدیث و در تفاسیر ماجرای وی نقل شده است.

ایوب در دوران بیماری با این عبارت نزد خدا شکایت می کرد: «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (انبیاء/۸۳)؛ «خدایا من به بدحالی و بلا گرفتار شدم، تو مهربانترین کسی، این بلاها را از من دفع کن.»

جمله دعائی است که در آن از خدا عافیتش را می خواهد وی به منظور رعایت فروتنی و تذلل خود را نام نمی برد، تنها از این که خدا را به نام «ربی» (پروردگرم) صدا می زند فهمیده می شود که او را برای حاجت نمی خواند.

البته نکته قابل توجه اینکه بین شکایت ایوب (علیه السلام) با صبرش منافاتی نیست بلکه اگر کسی در برابر بلا صبر کند و رفع آن را از خداوند طلب نکند یک نوع مقاومت، در برابر قهر الهی از خود نشان داده است.

باید بین تضرع به درگاه خدا و درخواست رفع بلا در قالب دعا و بین اعتراض به قضا و قدر الهی و به کار بردن الفاظ سست و بی پایه و موهن فرق گذاشت. آنچه که ممنوع است اعتراض به خواست خداوند است.^{۴۳}

بالاخره خداوند متعال در پاسخ به ندای تضرع آمیز حضرت ایوب (علیه السلام) فرمود: «ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ» (سوره ص/۴۲)؛ «(خطاب کردیم) پای به زمین زن، زد، چشمه آبی پدیدار آمد گفتیم در این آب سرد شستشو کن و از آن آب بیاشام.»

چشمه آب جوشیدن گرفت چشمه ای شفافبخش از بیماری های «برون» و «درون». چون ایوب صحت یافت، حق تعالی دو حله از بهشت به سوی وی فرستاد یکی را پوشید و یکی را ردا کرد. و در مکان بلندی دو رکعت نماز شکر به جا آورد.^{۴۴}

این عمل حضرت ایوب (علیه السلام) می تواند درسی برای سایرین باشد تا پس از رفع بلا و نیاز، خدا را فراموش نکنند، بلکه او را بر بازگشت آسایش، نعمت و حل مشکل سپاس گویند.

گفتاری درباره آب درمانی

آب معدنی جزو اولین داروهای طبیعی بشر است ولی استفاده علمی از آب ها پس از شناخت اثرات درمانی آنها در قرن اخیر تحقق یافته است. اثرات آبهای معدنی بسیار متفاوت است از آن جمله می توان به اثر بر روی دستگاه گوارش از طریق ازدیاد تبادلات بافتی، اثر ضد سمی، اثر ضد حساسیت و... اشاره کرد.^{۴۵} روش ها و طرق درمان توسط آب های معدنی متفاوت است مثل: نوشیدن آب، حمام، دوش آب، شستشو، تزریق، استفاده از گاز و بخار و...^{۴۶}

هم چنان که در جریان شفای حضرت ایوب نیز خداوند متعال برای درمان وی به این حضرت فرمان داد خود را در آب چشمه ای که از زمین جوشیده و جزء آبهای معدنی بود بشوید و سپس از آن آب بنوشد.

آب های معدنی ایران

در نواحی مختلف کشورمان نیز چشمه های معدنی آب گرم و آب سرد فراوانی وجود دارد که آب برخی از آنها اثر درمانی داشته و مورد استفاده عموم مردم قرار می گیرند. به عنوان نمونه نام برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- چشمه معدنی بوشلی^{۴۷}

۲- آب گرم سراب^{۴۸}

۳- چشمه زنبیل^{۴۹}

۴- چشمه استراباکو^{۵۰}

وفای ایوب به سوگند

تنبیه همسر: در جریان شفای حضرت ایوب (علیه السلام)، همسرش رحمه که توسط ایوب (علیه السلام) طرد شده بود، تصمیم به برگشت و رجوع گرفت. و در کمال تعجب با چهره جوان

همسر خود مواجه شد و لطف خداوند و بازگشت سلامتی ایوب (علیه السلام) سلامتی را به چشمان خود مشاهده کرد.^{۵۱}

وفای به سوگند

تنها مشکلی که برای ایوب (علیه السلام) مانده بود سوگندی بود که در مورد همسرش خورده بود تا وی را صد ضربه بزند، اما پس از بهبودی می خواست به پاس وفاداریها و خدماتش او را ببخشد، ولی مسأله سوگند و نام خدا در میان بود.

خداوند این مشکل را نیز برای او حل کرد، و چنان که قرآن می گوید: «وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاُضْرِبْ بِهٖ وَلَا تَحْنَتْ»؛ «دسته ای از ساقه های گندم (یا مانند آن) را بگیر، و به او بزن و سوگند خود را مشکن» (ص/۴۴)

تاکید بر وفای به سوگند شاید به این دلیل بود که در شریعت ایوب (علیه السلام) شکستن سوگند کفاره نداشت لذا چاره ای جز عمل به آن نبود. اما در دین اسلام برای شکستن سوگند کفاره تعیین شده است.

گفتاری پیرامون سوگند

در دین مقدس اسلام اساس مشروعیت سوگند، این فرموده ی خداوند است:

«لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَّ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ»؛ «خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده (که بزبانست نه به دل) شما را مؤاخذه نخواهد کرد ولیکن بر آن قسمی که از روی عقیده قلبی یاد کنید مؤاخذه خواهد نمود». (مائده/۸۹)

امت اسلام بر مشروعیت یمین و سوگند و جایز بودن احکام آن اجماع دارند. و همچنین بر این موضوع که شکننده ی سوگند در انتخاب کفاره ی سوگندش مختار است نیز به اجماع رسیده اند.^{۵۲}

درست است که در جریان سوگند ایوب (علیه السلام)، زدن یک دسته ساقه گندم مصداق

واقعی سوگند او نبوده است، ولی برای حفظ احترام نام خدا و عدم اشاعه قانون شکنی این کار را انجام داد. و البته این در صورتی است که طرف مستحق عفو باشد و بخواهیم حفظ ظاهر قانون را نیز انجام دهیم.^{۵۳}

بازگشت نعمت ها و سرانجام ایوب (علیه السلام)

۱- جوانی همسر

خداوند جوانی را به همسر ایوب بازگردانید به طوری که برای او بیست و شش پسر به دنیا آورد.^{۵۴}

۲- بازگشت دارایی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وقتی خداوند ایوب را سلامتی داد، باران ملخ طلایی رنگ، بارید، او شروع به گرفتن آنها کرد و در دامن قرار می داد. به او گفتند: ای ایوب آیا سیر نمی شوی؟ گفت: خدایا چه کسی از مهرت سیر می شود.^{۵۵}

به همین ترتیب همه دارایی هایش به او باز گردانده شد بلکه حتی به صورت مضاعف. به طوری که حتی بر خلاف قوانین طبیعت از زمین شوره زار عدس فراوان برای او روئید.^{۵۶}

۳- احیای فرزندان

در تفسیر جمله «آتیناه اهل و مثله معهم» آرای متعددی وجود دارد، مشهور میان مفسرین این است که خداوند، فرزندان مرده اش را به حیات نخست بازگردانید، و علاوه بر آن فرزندان دیگری نیز به او دارد.^{۵۷}

- سرانجام ایوب (علیه السلام)

در مدت عمر وی اختلاف وجود دارد و نظرات متفاوتی وجود دارد از آن جمله:

برخی مدت عمر آن حضرت را نود و سه سال^{۵۸}، و بعضی دویست سال گفته اند^{۵۹}، و نیز عده ای معتقدند وی دویست و بیست و شش سال عمر کرد که ۷۳ سال قبل از ابتلا و هفت سال و هفت ماه و هفت روز دوران ابتلا و ۱۴۶ سال پس از ابتلا زندگی کرده است.^{۶۰}

مدفن ایوب (علیه السلام) در بیضای فارس کنار دهی به نام خیرآباد دره کوچکی است که قبر ایوب را در آنجا می دانند و مردم در ایام متبرکه، برای زیارت به آنجا می روند.

خداوند بعد از ایوب (علیه السلام) پسرش بشر بن ایوب را به نبوت مبعوث کرد. و امر کرد مردم را به توحید و یگانه پرستی دعوت کند. ایوب در شام ساکن بود و همان جا وفات یافت.^{۶۱}

پی نوشت ها:

۱. عبدالله جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن (۲)، نشر اسراء، چاپ سوم، اردیبهشت ۱۳۸۳، ص ۸۲.
۲. سوره نساء (۴)، آیه ۱۶۳.
۳. علی بن الحسن بن هبه الله بن عبدالله (ابن عساکر) شافعی، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۰، صص ۵۹-۵۸.
۴. عماد الدین حسین اصفهانی، قصص الانبیاء از آدم تا خاتم، تهران، کتابفروشی اسلام، بی تا، ج ۱، ص ۴۵۳.
۵. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت - لبنان، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، بی تا، ج ۱۲، ص ۳۵۶.
۶. عبدالله جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن (۲)، ص ۸۲.
۷. محمد بیومی مهران، بررسی تاریخی قصص قرآن، مترجم: مسعود انصاری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۸۴.
۸. علی بن الحسن بن هبه الله بن عبدالله (ابن عساکر) شافعی، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۰، ص ۵۸.
۹. سمیح عاطف الزین، داستان پیامبران در قرآن، مترجمان محمد باقر محبوب القلوب، محمد حسین احمد یار و علی چراغی، تهران، انتشارات ذکر، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۲۷.
۱۰. عماد الدین حسین اصفهانی، قصص الانبیاء از آدم تا خاتم، ج ۱، ص ۴۵۴.
۱۱. عفیف عبدالفتاح طباره، همراه با پیامبران در قرآن، مترجم: حسین خاکساران و عباس جلالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، بی تا، ص ۲۶۴.
۱۲. مرکز نشر و معارف قرآن، اعلام قرآن از دائرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۸۷.
۱۳. رک: عماد الدین حسین اصفهانی، قصص الانبیاء از آدم تا خاتم، ج ۱، ص ۴۵۴.
۱۴. رک: هاشم رسول محلاتی، تاریخ انبیاء، ص ۳۲۱.
۱۵. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، تعلیق: علی سبیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۷.
۱۶. سمیح عاطف الزین، داستان پیامبران در قرآن، ص ۲۲۷.
۱۷. نعمت الله جزایری، قصص الانبیاء، تهران، مترجم: یوسف عزیززی، تهران، هاد، چاپ ۲، ۱۳۷۶، ص ۳۲۸.

۱۸. علی بن الحسن بن هبه الله بن عبدالله (ابن عساکر) شافعی، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۰، ص ۵۹.
۱۹. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۵۷.
۲۰. ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۲، ص ۴۱۵.
۲۱. محمد دبیری، تکامل اخلاق در پرتو اصول عقاید، مشهد، انتشارات جوان یاوران، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۳۱۰.
۲۲. ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحق الکلینی الرازی، الاصول من الکافی، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، دار صعب، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، الجزء الثاني، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۱ هـ.ق، کتاب الایمان و الکفر باب الصبر، ص ۹۱.
۲۳. احمد نراقی، معراج السعاده (یا نردبان خو شبختی)، معراج السعاده، ویرا ستار: محمد رضا سلیمانی، بی جا، نوید اسلام، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷، صص ۷۲۲-۷۲۰.
۲۴. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۰، ص ۵۸.
۲۵. بلعمی، تاریخنامه طبری، تصحیح و تحشیه: محمد روشن، تهران، سروش، چاپ ۳، ۱۳۸۰، ص ۲۳۹؛ حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۱، ص ۳۷.
۲۶. رک: عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، طهران، انتشارات کتابخانه اسلام، چاپ ۲، بی تا، ج ۹، ص ۲۲۷.
۲۷. عمادالدین حسین اصفهانی، قصص الانبیاء از آدم تا خاتم، ج ۱، ص ۴۵۵.
۲۸. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۵۶.
۲۹. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۶۷، ج ۱۳، ص ۴۵۹.
۳۰. عمادالدین حسین اصفهانی، قصص الانبیاء، تهران، کتابفروشی اسلام، چاپ ۸، ۱۳۴۷، ج ۱، صص ۴۶۰-۴۵۵.
۳۱. نعمت الله جزایری، قصص الانبیاء، ص ۳۲۷.
۳۲. غلامرضا گلی زواره، بلاهای طبیعی زبان های روحی و آزمایش الهی، پیام زن، دی ۱۳۸۳، سال سیزدهم، شماره ۱۰، صص ۳-۴.
۳۳. محمد عثمان نجاتی، قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، اردیبهشت ۱۳۷۲، ص ۱۰۸.
۳۴. محمد بن علی (شیخ صدوق) ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، مترجم: ابراهیم محدث، بی جا، نشر اخلاق، چاپ ۱۰، پاییز ۱۳۸۷، ص ۳۱۹.
۳۵. رضا فلاحی و ناصر یوسفی و یوسفعلی عطاری، مشاوره نوتوانی، ص ۶۶.
۳۶. همان، ص ۱۷۰.

۳۷. حمیدرضا کریمی درمنی، توانبخشی گروههای خاص با تأکید بر خدمات مددکاری اجتماعی، تهران، گسترده، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۵.
۳۸. رضا فلاحتی و ناصر یوسفی و یوسفعلی عطاری، مشاوره نوتوانی، صص ۱۸۵-۱۸۳.
۳۹. حمیدرضا کریمی در منی، توانبخشی گروههای خاص با تأکید بر خدمات مددکاری اجتماعی، صص ۳۶۰-۳۵۵.
۴۰. همان، ص ۲۰۰.
۴۱. همان، ص ۲۰۷.
۴۲. همان، ص ۲۰۸.
۴۳. فرج الله هدایت نیا گنجی، بلاها و بلادیدگان، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۸۳-۸۲.
۴۴. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۹۷.
۴۵. محمد رضا غفوری، شناخت آبمعدنی و چشمه های معدنی ایران، تهران، دانشگاه تهران، آذر ۱۳۶۶، ص ۴۱.
۴۶. کاظم کیانی، خواص درمانی آبهای شفا بخش معدنی کشور، انتشارات زر قلم، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۶.
۴۷. ایرج افشار (سیستانی)، پزشکی سنتی مردم ایران، تهران، ناشر: مؤلف، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۰، ج ۱ و ۲، ص ۵۸.
۴۸. همان، ص ۶۲.
۴۹. همان، ص ۸۲.
۵۰. همان، ص ۷۰۸.
۵۱. محمد محمدی اشتهدادی، قصه های قرآن به قلم روان، تهران، مؤسسه انتشارات نبوی، چاپ ۸، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۳۵.
۵۲. عبدالکریم زیدان، احکام سوگند و نذر، مترجم: سامرند محمد امینی، زاهدان، انتشارات حرمین، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴، صص ۲۱-۲۰.
۵۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۹۲.
۵۴. محمد خزائلی، اعلام قرآن، تهران، امیرکبیر، چاپ ۲، ۱۳۵۰، ص ۲۳۵.
۵۵. نعمت الله جزایری، قصص الانبیاء، ص ۳۲۶.
۵۶. ابی الفداء اسماعیل بن کثیر الدمشقی، مختصر تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۶۸.
۵۷. عمادالدین حسین اصفهانی، قصص الانبیاء از آدم تا خاتم، ج ۱، ص ۴۶۴.
۵۸. بلعمی، تاریخنامه طبری، تصحیح و تحشیه: محمد روشن، ص ۲۴۲.
۵۹. حمد الله مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۳۸.

۶۰. هاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیاء، ص ۳۳۸.

۶۱. محمد خزائلی، اعلام قرآن، ص ۲۶۳.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم، مهدی الهی قمشه ای، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ ۲.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، مترجم (ابراهیم محدث)، بی جا، نشر اخلاق، چاپ ۱۰، پاییز ۱۳۸۷.
۲. ابن کثیر دمشقی، ابی الفداء اسماعیل، مختصر تفسیر ابن کثیر، اختصار و تحقیق: محمد علی الصابونی، مکه مکرمه، الفیصلیه، بی تا، ج ۲ و ۳.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تعلیق: علی سیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا، ج ۱ و ۷ و ۱۰.
۴. اصفهانی، عمادالدین حسین، قصص الانبیاء از آدم تا خاتم، تهران، کتابفروشی اسلام، بی تا، ج ۱.
۵. افشار، ایرج (سیستانی)، یز شکی سنتی مردم ایران، تهران، مؤلف، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۰، ج ۱ و ۲.
۶. بلعمی، تاریخنامه طبری، تصحیح و تحشیه: محمد روشن، تهران، سروش، چاپ ۳، ۱۳۸۰.
۷. بی نام، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) با ترجمه فارسی)، مترجم و فراهم آورنده ابوالقاسم پاینده، بی جا، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، بی تا، ج ۱.
۸. جزایری، نعمت الله، قصص الانبیاء، مترجم: یوسف عزیزی، تهران، هاد، چاپ ۲، ۱۳۷۶.
۹. جوادی آملی، عبدالله، سیره پیامبران در قرآن (۲)، بی جا، اسراء، چاپ ۳، اردیبهشت ۱۳۸۳.
۱۰. خزائلی، محمد، اعلام قرآن، تهران، امیر کبیر، چاپ ۲، ۱۳۵۰.
۱۱. دبیری، محمد، تکامل اخلاق در پرتو اصول عقاید، مشهد، جوان یاوران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۲. رسولی محلاتی، هاشم، تاریخ انبیاء، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۳. سبحانی، جعفر، رمز پیروزی مردان بزرگ، قم، نسل جوان، ۱۳۷۱.

۱۴. شافعی، علی بن الحسن بن هبه الله بن عبدالله (ابن عساکر)، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۰، (از نرم افزار معجم فقهی).
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم: موسوی همدانی، تهران، انتشارات محمدی، چاپ ۳، ۱۳۶۱، ج ۴ و ۷ و ۳۴.
۱۶. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، کتابخانه اسلام، چاپ ۲، بی تا، ج ۹.
۱۷. عاطف الزین، سمیح، داستان پیامبران در قرآن، مترجمان: محمد باقر محبوب القلوب و محمد حسین احمدیار و علی چراغی، تهران، ذکر، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۸. غفوری، محمد رضا، شناخت آب معدنی و چشمه های معدنی ایران، تهران، دانشگاه تهران، آذر ۱۳۶۶.
۱۹. فلاحی، رضا و ناصر یوسفی و یوسفعلی عطاری، مشاوره نوتوانی، تهران، گلگشت، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۰. کریمی در منی، حمیدرضا، توانبخشی گروههای خاص با تأکید بر خدمات مددکاری اجتماعی، تهران، گسترده، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۱. کلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الاصول من الکافی، تعلیق و شرح: علی اکبر غفاری، بیروت، دار صعب دارالتعارف بیروت للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۲.
۲۲. کیانی، کاظم، خواص درمانی آب های شفافبخش معدنی کشور، بی جا، زر قلم، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، شرکت طبع بحار الانوار، بی تا، ج ۱۵.
۲۴. محمدی اشتیاردی، محمد، قصه های قرآن به قلم روان، تهران، انتشارات نبوی، چاپ ۸، بهار ۱۳۸۵.
۲۵. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، اعلام قرآن از دائره المعارف قرآن کریم، قم، بوسستان کتاب، ۱۳۸۵، ج ۲.

۲۶. م ستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام: عبدالحسین نوائی، تهران، امیرکبیر، چاپ ۴، ۱۳۸۱.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۴، پاییز ۱۳۶۷، ج ۳ و ۳ و ۱۹.
۲۸. نجاتی، محمدعثمان، قرآن و روانشناسی، مترجم: عباس عرب، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ ۲، اردیبهشت ۱۳۷۲.
۲۹. نراقی، احمد، معراج السعاده، ویراستار: محمد رضا سلیمانی، بی جا، نوید اسلام، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷.
۳۰. هدایت نیا گنجی، فرج الله، بلاها و بلادیدگان، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۳۱. گلی زواره، غلامرضا، بلاهای طبیعی زیان های روحی و آزمایش الهی، ماهنامه پیام زن، شماره ۱۰، سال ۱۳، دی ۱۳۸۳.